

نقش نارسایی‌های برنامه درسی رشته حقوق در کاهش اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان حقوقی
 ۱ مهدی خاقانی اصفهانی، مژگان امراللهی بیوکی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸

از صفحه ۱۳۲ تا ۱۰۹

چکیده:

زمینه و هدف: احساس امنیت یکی از ابعاد اساسی مفهوم امنیت در معنای کلی آن است. در واقع زمانی که فرد احساس کند در جامعه و تعاملات اجتماعی خطری جان، مال یا سلامتی وی را مورد تهدید و تعرض قرار نمی‌دهد، می‌توان گفت فرد دارای احساس امنیت است. این احساس امنیت از طریق اعتماد به ارگان‌های تامین‌کننده امنیت، دولت، مدرسه، نظام اقتصادی، خانواده، شبکه دوستان و ... تامین می‌شود. بنابراین درجه اعتماد ورزی فرد به دیگران مشخصه مناسبی برای تعیین درجه احساس امنیت وی تلقی می‌شود. تحقیق حاضر نقش پلیس در تامین و فراهم کردن امنیت است. عملکرد این نهاد امنیتی انتظامی می‌تواند در فرایند تولید و استمرار احساس امنیت شهروندان موثر باشد. هدف تحقیق بررسی تاثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان قرچک است.

مواد و روش‌ها:

روش تحقیق، پیمایشی و توصیفی است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات بوسیله پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری تحقیق، کلیه افرادی بالای ۱۸ سال و ساکن شهر قرچک می‌باشند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده، ۳۰۹ نفر بصورت نمونه انتخاب شده‌اند.

یافته‌ها: این یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که توانمندی پلیس یعنی قدرت سخت افزاری و تظاهراتی پلیس بر عوامل اخلاقی و فعالیت اجتماعی ارجحیت دارد. آزمون فرضیات بیانگر آن است که بین دو متغیر توانمندی عملیاتی پلیس و فعالیت‌های اجتماعی پلیس با احساس امنیت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه: نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی یکی از متغیرهای اساسی تاثیر گذار بر احساس امنیت و سرمایه اجتماعی است. توانمندی عملیاتی پلیس به تنهایی نمی‌تواند بر احساس امنیت شهروندان اثر گذار باشد بلکه آموزش و رفتار حرفه‌ای پلیس در تعامل با جامعه و ارتقاء کیفیت عملکرد نیروی انتظامی در سطح جامعه، احساس امنیت شهروندان نیز افزایش خواهد داد.

کلیدواژه: احساس امنیت، اعتماد اجتماعی، عملکرد پلیس رضایت شهروندان

۱ عضو هیأت علمی گروه حقوق پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»

۲ استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی □ عضو هیات علمی تهران جنوب

چکیده

بیکاری اقشار مختلف به‌ویژه دانش‌آموختگان دانشگاهی، از خطرترین چالش‌های عصر حاضر است. اشتغال‌پذیری، برآیند یادگیری توسعه‌شغلی، تجربه (کار و زندگی)، مهارت‌های عمومی (ژنریک)، دانش و درک موضوعی و هوش عاطفی و اجتماعی است. آماده‌سازی دانشجویان رشته حقوق برای زندگی و تصدی مشاغل حقوقی در آینده از مسیر شناسایی صحیح مؤلفه‌های اشتغال‌پذیری و ورود این عناصر به برنامه‌های درسی و فوق‌برنامه‌ی آموزش دانشگاهی حقوق میسر است. سرفصل‌های راکد و برنامه‌های درسی متمرکز، مانع تحقق و حتی تصور چشم‌اندازهای اشتغال‌پذیری حقوقی به شمار می‌روند.

بر اساس پژوهش‌ها پیرامون تفاوت‌های درک دانشجویان حقوق و کارفرمایان مشاغل حقوقی از مؤلفه‌های اشتغال‌پذیری، و با توجه به بررسی‌ها در مورد میزان اثربخشی نظام آموزش دانشگاهی رشته حقوق - به رغم تحولات نسبتاً مفید در سرفصل دروس - در ارتقای عناصر اشتغال‌پذیری حقوقی، این مقاله به روش توصیفی تحلیلی، به نقد اهم عوامل، جلوه‌ها و پیامدهای روزآمدنبودن برخی سرفصل‌های درسی حقوق، ضعف مستندسازی تدوین سرفصل‌ها، عدم دخالت متخصصان برنامه‌ریزی درسی، عدم ارتقای بایسته‌ی مهارت و بهبود نگرش در مقایسه با سرفصل‌های دانش-افزایی جهانی حقوق، ضعف توجه به پژوهش‌محوری و نظریه‌های یادگیری و خلاقیت می‌پردازد و راهکارهایی برای رفع اشکالات حقوقی (تناقض، سکوت، ابهام و...) برخی از قوانین و مقررات حافظ اخلاق حرفه‌ای در آموزش و پژوهش دانشگاهی رشته حقوق ارائه می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی درسی، سرفصل‌های رشته حقوق، اشتغال‌پذیری در حقوق، جرایم و تخلفات

پژوهشی

مقدمه

آسیب‌شناسی وضعیت رشته حقوق بحثی جدی است که نیاز به مطالعه و زمان زیادی دارد. بیش از یکصد و ده سال است که به طور جدی و عملی دارای مدرسه و سپس دانشکده حقوق و علوم سیاسی هستیم. رشته حقوق در خیلی از کشورها در ابعاد مختلف پیشرفت‌های زیادی در تربیت دانشجویان حقوق و نحوه به‌کارگیری این سرمایه اجتماعی در حاکمیت و جامعه و نیز در تحول آموزش و پژوهش حقوقی کشور داشته است. این در حالی است که هم اکنون دانشجویان ما در حالی در رشته حقوق فارغ‌التحصیل می‌شوند که عده زیادی از آنان در دوره دانشجویی یک اظهارنامه را تهیه نکرده و یا اصلاً ندیده‌اند و قادر به تنظیم یک لایحه ابتدایی یا دفاع مقدماتی نیستند و ضعف علمی چشمگیر دارند.

متأسفانه در مقطع کارشناسی و نیز تحصیلات تکمیلی رشته حقوق موضوعات سرفصل دروس و مورد طرح در کلاس‌های دانشگاهی، ربط وثیقی به واقعیت‌های عینی اجرای حقوق در مشاغل مرتبط ندارد. باید از دروس تئوری غیر ضروری بکاهیم و دانشجویان را به شوراهای حل اختلاف، دادگستری‌ها و دادگاه‌ها بفرستیم تا نحوه کار و مسائل و مشکلات را ببینند، مشاهده کنند و بیاموزند. رشته حقوق که عموماً معطوف به تصدی مشاغل همچون وکالت، قضاوت، نمایندگی حقوقی نهادهای دولتی و یا مشاوره حقوقی و تدریس است فقط از راه حفظ تئوری، به توفیق شغلی دست نمی‌یابد بلکه دانشجویان باید وقایع حقوقی و پدیده‌های کیفری و بین‌المللی و تجاری و... را تجربه کنند. اساتید ما هم باید با روش تدریس نوین و پیشرفته دنیا آشنا شوند و اصلاً کارگاه آموزشی ببینند و در این چهارچوب توسط گروه ارزیابی شوند. برخی از اساتید دانش کافی در یک درس را ندارند، برخی دانش خوبی دارند ولی روش تدریس مناسب و بیان شیوا ندارند. قدرت بیان و انتقال دانش و استفاده از ابزار و تکنولوژی آموزشی، تغییر در محتوا، روش اجراء، استفاده از محاکمات، کمیسیون قضایی مجلس و مراکز حقوقی و قضایی و انتظامی، و حتی برگزاری کلاس و پرسش و پاسخ توسط دانشجویان و مجریان مذکور همگی از الزامات اصلاح، و تغییر بنیادی در آموزش و پویایی رشته حقوق در کشور است. این آنگاه اهمیت دو چندان می‌یابد که بدانیم انعکاس

آموزه‌های دانش حقوقی فورا خود را در رفتار قضات، وکلاء، ضابطان انتظامی و دیگر کنشگران حقوقی تبلور می‌دهد و همه این‌ها با جان، آبرو و مال شهروندان سر و کار دارند.

۱- رابطه پیشرفتگی برنامه درسی با قابلیت کارآفرینی و اشتغال‌پذیری دانشجویان

بررسی نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، جمعیت دارای تحصیلات در سال ۱۳۸۵، از ۶۸۹۵۰۳۳ نفر به ۱۰۵۵۱۳۰ نفر، در سال ۱۳۹۰ به ۱۳۶۱۳۶۵۱ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. همچنین نتیجه گزارش وضعیت اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان در سال ۱۳۹۵ به ۲۰٪ رسیده است که نسبت به سال ۱۳۷۵، پنج برابر شده است (گزارش مرکز ملی آمار ایران، ۱۳۹۶). افزون بر این یافته‌ها، گزارش مذکور نشانگر آن است که اکنون دانش‌آموختگان ما در بازار کار کشور بیکاری ۳ تا ۷ برابری را در مقایسه با افراد بی‌سواد یا دارای تحصیلات عمومی تجربه می‌کنند. بی‌تردید، بیکاری تأثیر بسزایی در مهاجرت نخبگان دارد. گزارش سال ۲۰۱۶ گروه اقتصاد و روابط اجتماعی سازمان ملل متحد نشان می‌دهد در سال مذکور ۴۲۴۰۰۰ نفر از ایرانیان مهاجر دارای تحصیلات عالی، در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۳ زندگی می‌کردند. همچنین میزان مهاجرت افراد با تحصیلات عالی (۴٪) کشور بیش از ۲/۵ برابر نرخ مهاجرت عمومی (۱/۵٪) است. بی‌شک، عدم استفاده بهینه از ظرفیت نیروی انسانی دانش‌آموخته پیامدهای ناخوشایند دیگر همچون عدم ازدواج، رشد طلاق، بزهکاری و نابسامانی‌های اجتماعی همه‌جانبه رشد خواهد یافت.^۴ این در حالی است که سازمان علمی آموزشی ملل متحد در چشم‌انداز جهانی آموزش عالی برای قرن ۲۱، دانشگاه‌های نوین را این‌گونه توصیف کرده است: «جایگاهی که در آن، مهارت‌های کارآفرینی، به منظور تسهیل قابلیت‌های فارغ‌التحصیلان و برای تبدیل شدن به ایجادکنندگان کار، توسعه می‌یابد.»

افزایش جمعیت، رشد بی‌سابقه دانش‌آموختگان بیکار، افزایش حدود ۱۷/۸ درصدی بیکاران با مدرک دانشگاهی (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷)، نارضایتی کارفرمایان از دانش و مهارت کسب‌شده دانش‌آموختگان دانشگاهی، تغییر در بازار کار جهانی، تحریم و مشکلات اقتصادی داخلی موجب شده که مسئله بهسازی آموزش‌های آکادمیک و به‌روزرسانی برنامه‌های درسی در جهت رفع نیاز دانشجویان

^۳ The Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

^۴ <https://www.un.org/development/desa/publications/report-of-the-world-social-situation-2016.html>

جامعه و بازار کار از اهمیت زیادی برخوردار شود و اشتغال‌پذیری رشته‌های دانشگاهی در صدر توجه قرار گیرد.

در همین راستا، *دانا* و *گریفین* (۲۰۰۰) معتقدند کیفیت زندگی کاری به مثابه هرمی است که مفاهیم آن شامل رضایت از زندگی در اُس هرم، رضایت شغلی در اواسط هرم و رضایت از سایر جنبه‌های مختص کار، نظیر رضایت از میزان حقوق، همکاران و ناظران می‌شود. در نتیجه، محدوده کیفیت زندگی کاری فراتر از رضایت شغلی است (مختاری و بهروزی، ۱۳۹۹: ۲۶۲). این افق، فراتر و فرارفته از حد معیار قدیمی رضایت شغلی، در مورد مؤلفه‌های اصلی بازار اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته حقوق که عبارت است از امنیت شغلی، سیاست‌های اقتصادی و فضای کسب و کار، قابل بحث و تطبیق است و می‌توان نقش اشکالات نظام برنامه‌ریزی درسی رشته حقوق (کارشناسی) و حقوق جزا و جرم‌شناسی (کارشناسی ارشد و دکتری) را از این منظر مورد تحلیل انتقادی قرار داد.

دانشگاه نسل سوم همزمان مجموعه‌ای از دانش، مدیریت دانش و مدیریت کارآفرینی را فرا می‌گیرد تا بتوانند شغل بیابند؛ ای مهارت‌ها عموماً در نظام آموزشی در ایران - به ویژه در علوم انسانی و از جمله در رشته حقوق - نادیده گرفته می‌شود و به بازار اشتغال لطمه وارد می‌کند. از این رو، یکی از مسائل فراروی کشور، دانش‌آموختگانی هستند که توانایی فردی و مهارت‌های لازم را برای تأسیس کسب و کار شایسته و حتی حداقلی ندارند. بنابراین دغدغه اصلی شکل‌گیری و اثربخشی دانشگاه کارآفرین را می‌توان چنین مطرح کرد که، بدون توسعه نظام‌مند آموزش کارآفرینی و مهارت‌آموزی موثر دانشجویان، استادان، مدیران و کارکنان و تقویت ویژگی‌های کارآفرینی سرمایه انسانی، تجربه کارآفرینی در دانشگاه‌های ایران بر اساس بازار اشتغال امکان‌پذیر نیست.

با وجود همه تفاوت‌هایی که در تجربه‌های توسعه در طول تاریخ وجود داشته یکی از نکات مهم این است که نقطه عزیمت همه تجربه‌های توسعه عبارت از اولویت حداکثرسازی استفاده از ظرفیت‌های سرمایه انسانی بوده است. یعنی در هر جایی که در فرایند توسعه اختلالی مشاهده می‌شود یکی از مؤلفه‌های جدی توضیح‌دهنده اختلال میزان و نحوه استفاده از نیروی کار انسان‌ها است. اقتصاددانان معتقدند در شرایط فعلی به اعتبار مشخصه‌های تحولات جمعیتی کشور با یک پیچیدگی ویژه دیگر نیز روبرو هستیم که یک وجه عینی و بیرونی و یک وجه ذهنی و درونی دارد. وجه بیرونی مسئله عبارت است از اینکه در طی سال‌های ۱۳۷۵ تا امروز با یک پدیده جمعیتی خطیری روبرو هستیم. به این معنی که یک جمعیت ۳۶ میلیونی زیر ۲۵ سال از ۱۳۷۵ برآورد شده که حداقل

تا سال ۱۴۰۰ با ما همراه است که از یک سو نمایانگر وضعیت عرضه بلندمدت نیروی کار کشور است و از سوی دیگر یک طیف گسترده از اقتضانات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به همراه آن است که اگر به موقع شناسایی نشود پیامدهای جدی برای ما به همراه خواهد داشت. موضوع پیش‌گفته، «بحران برنامه‌ریزی» در ایران را یادآور می‌شود. با وجود سابقه طولانی در امر برنامه‌ریزی، نظام برنامه‌ریزی ایران کمتر به تبیین برنامه‌ریزی به شیوه پایین به بالا و با استفاده از مشارکت اعضای جامعه پرداخته است و بیشتر به برنامه‌ریزی به صورت مرکزی و بالا به پایین نگاه کرده است (متوسلی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵۵).

ایجاد زمینه مناسب آموزشی بر مبنای نیازهای مهارتی مشاغل، همسویی با تغییرات سریع فناورانه، داشتن انعطاف، سنجش صلاحیت حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان قبل از اشتغال، آموزش خلاقیت و کارآفرینی از ویژگی‌های برنامه درسی مبتنی بر شایستگی است (هادی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). آشناسازی دانشجویان با تکنیک‌ها و مهارت‌های جدید برای احراز شغل، اجرای آموزش‌ها در محیط‌های کارورزی و کسب تجارب واقعی کار قبل از اشتغال از عوامل افزایش اشتغال‌پذیری و در مقابل، تعداد بالای ساعات آموزش‌های نظری، به‌روزی بودن محتوا، تجربه محدود در محیط واقعی کار و عدم آمادگی کافی برای انجام کار از دلایل عدم استقبال از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها هستند.

یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز برای این تجارت، ماهیت واحدهای دوران کارشناسی، ارشد و دکتری است. این واحدها صرفاً تئوری‌اند و کار عملی و پژوهشی برای آنها انجام نمی‌شود. به عنوان مثال، در رشته حقوق از یک‌صد و اندی واحد فقط دو واحد روش تحقیق در دوره کارشناسی وجود دارد. در وضعیت کنونی دانشجوی کارشناسی ارشد پس از گذراندن ده‌ها واحد تئوریک یک دفعه وارد فضای پژوهش و پایان‌نامه می‌شود و در این فضا هم روش تحقیق علمی به او کمتر یاد داده می‌شود.

امروزه به دلیل نبود بسترهای لازم برای جذب و اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و عدم توانایی آنها در خلق فرصت‌ها و ایجاد زمینه کار برای خویش، مشکل کاریابی و کارآفرینی به مسئله مهمی برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تبدیل شده و می‌تواند به شکل‌گیری بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی متعددی بشود. یکی از راهکارهای مناسب و مطمئن برای حل این مسئله توانمندکردن آنها به مهارت کارآفرینی در طول تحصیلات دانشگاهی است که این توانایی می‌تواند تا حد زیادی مانع نابسامانی‌های مختلف اجتماعی گردد. اما وجود برخی آسیب‌ها در برنامه درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاه‌ها

و مراکز آموزش عالی موجب شده دانشجویان مهارت‌های لازم را در این زمینه کسب نکنند (مجلل و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۷). برنامه درسی در اغلب رشته‌های دانشگاهی علوم انسانی از کیفیت مطلوب و قابلیت کارآفرینی برخوردار نیست و توانایی تربیت کارآفرینان خلاق، مبتکر و توانا را ندارد. برنامه ریزی آموزشی در دوره کارشناسی حقوق به گونه‌ای است که حقوق به مثابه یک فن، آموزش و دانشجوی حقوق مانند تکنیسین تربیت شود. زیرا جریان غالب حقوقدانان نسل اول و دوم، یعنی مُدوّنین و مفسّرین حقوق موضوعه، با غفلت از ریشه‌های فکری و فرهنگی، به تدوین و تفسیر حقوق موضوعه می‌پردازند. به گونه‌ای که می‌توان سیر نامعرفتی یا فنی‌شدن حقوق در ایران معاصر را کم‌توجهی به میان‌حقوقی و میان‌رشته‌ای بودن مباحث حقوق دانست؛ حال آن که در دنیای امروز ارتباط و تعامل گسترده‌تری میان حقوق به مثابه معرفتی از علوم انسانی با دیگر معارف آن، چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، سیاست، اقتصاد، ادبیات و... به وجود آمده است. بنابراین واقعیات مزبور موجب شده‌اند که بین رشته‌های مختلف حقوقی از یک سو و میان حقوق و دیگر رشته‌های علوم انسانی از دیگر سو، و گرایشی به همبستگی بروز کند (منصوریان، ۱۳۸۸: ۲۲) که حاصل آن تولید اندیشه‌های نوین در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای است.

۲- آسیب‌های نظام آموزش دانشگاهی حقوق در ایران، با تأکید بر مشکلات سرفصل دروس کارشناسی حقوق

اشتغال‌پذیری، ساختاری چندبعدی دانسته شده که شامل «توانایی‌ها» و «مستعدبودن افراد» برای شناسایی و دستیابی به فرصت‌های مسیر شغلی است. سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و سرمایه روان‌شناختی، عوامل مکون بخشی از ساختار اشتغال‌پذیری افراد هستند. سرمایه انسانی گسترده، کارکنان را به تخصص، دانش و مهارت‌های انتقال‌پذیر بیشتری مجهز می‌کند و می‌تواند توانایی آنها را برای دستیابی به انتظارات عملکردی از مشاغل مختلف برآورده سازد. سرمایه اجتماعی همچنین به‌عنوان عنصری حیاتی در اشتغال‌پذیری افراد محسوب می‌شود (سپهوند و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۶).

تحقیقات نشان داده است این در حالی است که از دهه ۸۰، افرادی به صرف داشتن مدرک دکتری می‌توانند به عنوان عضو هیأت علمی وارد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی شوند. این وضعیت با سلب اختیار از گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها و تمرکز جذب در وزارت علوم بدتر شده است (صفایی و کاظمی، ۱۳۹۳: ۶۵۲).

آسیب‌های نظام آموزش حقوق در ایران به چهار قسمت تقسیم شده که عبارت‌اند از: ۱- آسیب‌های حاکم بر رشته‌های دانشگاهی حقوق، ۲- آسیب‌های راجع به نظام اجرایی آموزش حقوق، ۳- آسیب‌های مربوط به متون آموزشی حقوق، ۴- آسیب‌های مربوط به سرفصل‌های آموزشی حقوق. در این میان، مهم‌ترین آسیب‌های مربوط به رشته‌های دانشگاهی حقوق عبارت‌اند از: فقدان مطالعه میان‌رشته‌ای، عدم تدوین سلسله مراتب اهداف، ضعف کارآفرینی و تجاری‌سازی دانش، عدم پوشش نسبت به نیازهای موجود، ضعف ارتباط با رشته‌های شغلی، فقدان ضوابط و معیارهای ایجاد رشته‌های حقوقی، و ضعف مطالعات تطبیقی. و اما مهم‌ترین آسیب‌های مربوط به نظام اجرایی آموزش حقوق عبارت‌اند از: ناهمترازی مجریان آموزش حقوق، و انعطاف‌ناپذیری به حد کافی در مقررات آموزش. وانگهی، خطرناک‌ترین چالش‌های متوجه مدرسان حقوق را می‌توان معطوف به وضعیت ارزشیابی آموزش، عدم روزآمدی همسو با تغییرات اجتماعی و حقوقی، و ضعف در استفاده از فناوری آموزشی دانست. و اما آسیب‌های راجع به متون آموزشی حقوق عبارت‌اند از: فقدان معیارهای منطبق با نظریه‌های یادگیری و سازماندهی محتوا برای تدوین متون آموزشی حقوق، ضعف سنت نقد کتاب، تمرکز بر متون نوشتاری و فقر منابع دیداری و شنیداری، و عدم تناظر متون با سرفصل‌های آموزشی.

از دیگر سو، آسیب‌های راجع به سرفصل‌های آموزشی حقوق عبارت‌اند از: عدم روزآمدی سرفصل‌های درسی، ضعف مستندسازی تدوین سرفصل‌ها، عدم دخالت متخصصان آموزشی و برنامه‌ریزی درسی، عدم ارتقای بایسته‌ی مهارت و بهبود نگرش در مقایسه با سرفصل‌های دانش‌افزایی جهانی، ضعف توجه به پژوهش محوری و نظریه‌های یادگیری و خلاقیت.

چالش‌های نظام برنامه‌ریزی درسی و مشکلات پیرامونی علت و معلول آن هر یک به سهم خود موجب تشدید اختلال در آموزش دانشگاهی رشته حقوق هستند. محققان (صفایی و کاظمی، ۱۳۹۳) برخی از این مؤلفه‌ها از این قرار اند: نبود نظام دستیاری استادی (استادیاری به معنای واقعی)، اشکالات نظام حاکم بر ارتقا و ترفیع اعضای هیأت علمی، کم‌توجهی به مسائل رفاهی اعضای هیأت علمی، اشتغال زیاد آنها و رعایت‌نشدن نظام تمام‌وقتی، کم‌کاری استادان (کم‌شدن آثار علمی ارزنده و بدیع) و افزایش مقالات مشترک با دانشجو، بازنشسته‌کردن استادان پیش‌کسوت و باتجربه و استفاده نکردن از تجربه آنها، تغییر آزمون تشریحی به تستی برای پذیرش دانشجو در مقاطع تحصیلات تکمیلی، پذیرش دانشجوی بدون آزمون، پذیرش بیش از حد دانشجوی حقوق، به ویژه مقاطع

تحصیلات تکمیلی، شیوه جذب متمرکز دانشجوی دکتری، تداوم روش انباشت مطالب حفظی به جای فهم مسائل استدلالی و ایجاد قوه استنباط، اکتفا به آموزش نظری و روبه‌رو نشدن دانشجویان حقوق با مسائل علمی و کارآموزی نکردن در دوره تحصیل از ابتدای کارشناسی تا انتهای دکترا، کم-توجهی به حقوق تطبیقی در آموزش و پژوهش حقوق، ضعف اهتمام به روش‌شناسی و فلسفه حقوق، عدم تخصص‌گرایی در آموزش حقوق و توسعه‌نیافتن رشته‌های جدید حقوقی متناسب با نیاز کشور، عدم بازنگری عنوان‌ها و سرفصل‌های واحدهای آموزشی به نحو شایسته و مطلوب و متناسب با نیازهای روز و تحولات حقوقی جهانی و مرتبط با نظام حقوقی ایران، کم‌توجهی به تخصص استادان در اختصاص دروس و ارجاع دروس و ارجاع پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها به آنان، روند فزاینده ضعف علمی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی و رواج سرقت علمی و خرید و فروش پایان‌نامه، کم‌توجهی به نظام و قواعد حقوق بومی به‌ویژه در رویکرد پویا به فقه و مسائل مستحدثه و نظرات فقهی عقلی نوگرا، عدم ارتباط میان دانشکده‌های حقوق و دستگاه قضا، توسعه بی‌حد و مرز دانشکده‌ها و گروه‌های حقوق در سراسر کشور و افزایش تعداد دانشجو، آسان‌گیری آموزش دانشجو و فراغت از تحصیل آنان و تورم نمره، ضعف عنایت به اخلاق حرفه‌ای در حوزه اخلاق پژوهش و آموزش حقوقی، وجود منابع درسی متعدد، ناهماهنگ، ضعیف و غیراستاندارد، کمبود منابع تخصصی معتبر و روزآمد، به ویژه مجلات تخصصی در کتابخانه‌های حقوقی، رکود پژوهش و رواج جانمایی ترجمه به عنوان تألیف، و عدم اقبال استادان به انجام پژوهش‌های گروهی.

رشته‌های علمی با توجه به نیازهای نوین جوامع تغییر و تحول می‌یابند. رشته حقوق نیز از این اصل مستثنی نیست. یکی از مفاهیم نوینی که در حوزه مطالعات برنامه درسی مطرح شده است، مشاوره برنامه درسی می‌باشد. تبیین و بازنمایی این مفهوم می‌تواند در بهبود سطح یادگیری و تحقق اهداف برنامه درسی مؤثر باشد. مشاوره برنامه درسی می‌تواند در ارتقاء سطح یادگیری و روش‌های یاددهی - یادگیری و به‌ویژه توسعه و اعتلای شخصی فراگیران در چارچوب برنامه‌های درسی نقش مهمی ایفا نماید (رودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۵). رشته‌های مشاوره و روانشناسی در کنار حوزه مطالعات برنامه درسی می‌توانند به اساتید مؤلف کتب حقوقی در تحقق اهداف مشاوره برنامه درسی رشته حقوق مدد رسانند. البته فقدان مشاوره برنامه درسی در رشته حقوق، چالش ژرف‌تری را نشان می‌دهد و آن همانا آسیب در منابع علمی در این رشته است و اشکالات متعددی از جمله غرب‌گرایی افراطی و فقه‌زدگی مفرط را سبب شده است. نگاه کارکردگرایانه به فقه و قانون بدون استوارسازی

آنها بر مبانی و ضوابط اصیل از یک سو و توجیه و تأویل احکام شرعی بر اساس مفاهیم شکننده‌ای همچون عدالت از سوی دیگر، آسیبی که توسط حقوقدانان هشدار داده شده است (ر.ک. به: وحدتی شبیری، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

از حیث وضعیت آموزش دانشگاهی رشته حقوق باید توجه داشت در مقطع کارشناسی، درس عملی در رشته حقوق، شامل کار تحقیقی ۱ و ۲ (از درس اصلی تخصصی) و کارآموزی قضایی (از درس اختیاری) است. تعداد کم درس عملی در رشته حقوق بیانگر توجه بیش از حد به مباحث تئوریک و یا کمبود امکانات در زمینه درس عملی است. به طور کلی، به نظر می‌رسد گروه‌های حقوق در مورد منابع درسی، با کمبود کتب آموزشی جدید روبه‌رو هستند و مواد درسی و منابع این رشته، با پیچیدگی‌ها و نیازهای جدید و با حجم و تنوع موضوعات اجتماعی تناسبی ندارد (توسلی نائینی، ۱۳۸۹: ۱). افزون بر این، نشریه‌های حقوق در دانشگاه‌ها یا وجود ندارد و یا بسیار نامنظم منتشر می‌شود. در بسیاری از دانشگاه‌های کشور، کتابخانه‌های تخصصی رشته حقوق وجود ندارد تا دانشجویان بتوانند به مطالعات حقوقی بپردازند و دانشجویان به ویژه در دانشگاه‌های کوچک با فقر منابع حقوقی روبه‌رو هستند. از مهم‌ترین وظایف اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در رشته حقوق، می‌توان به تدریس درس حقوقی، پاسخگویی به سؤالات درسی، ارائه کار تحقیقی و پیگیری کار تحقیقی ۱ و ۲، مشاوره و راهنمایی تحصیلی دانشجویان، رسیدگی به پایان‌نامه‌های تحصیلی در دوره کارشناسی ارشد، حضور در جلسات رسمی دانشگاه‌ها، اجرای طرح‌های پژوهشی و تحقیقاتی و انجام وظایف اجرایی اشاره کرد. از استادان این رشته انتظار می‌رود که اطلاعاتشان به روز باشد و از جزوه‌ها و منابع جدید درسی استفاده کنند؛ لیکن در عمل، مکانیسمی برای رسیدن به این هدف وجود ندارد. تدریس حقوق در کلاس‌های درس به صورت تجزیه و تحلیل قوانین و مبتنی بر تئوری‌های حقوقی است.

به این معضل و معضلات مذکور، باید بحران تورم جمعیت حقوق‌خوانان و نه حقوق‌دانان را افزود و ای بسا دارن‌دگان مدرک دانشگاهی حقوق که حتی روخوانی از منابع حداقلی درسی رشته خود هم ننموده و مدرک دریافت کرده‌اند؛ دانشجویانی که در مقاطع کارشناسی تا دکتری در دانشگاه‌های فاقد استانداردهای آموزشی وارد می‌شوند و مدرک می‌گیرند و بحران آموزشی کشور را در عرصه‌های حساس قضاوت و وکالت و تدریس حقوق، تشدید می‌کنند. و این ظلمی بس گران و جبران‌نشدنی است.

چالش‌های پژوهشی نیز به نوبه خود پیامدهای منفی بر تشدید بحران سرفصل و آموزش دروس دانشگاهی حقوق بر جای می‌گذارد. اساتید رزومه‌دار اما مبتلا به ضعف علمی، آن تعداد از نودکترآگرفندگان و پیش‌کسوتان - هر دو گروه - هستند که مناصب آموزشی را بدون صلاحیت پژوهشی و آموزشی بایسته اشغال نموده‌اند.

معضلات بانک‌های اطلاعاتی حقوقی که امکان همانندجویی برای پیشگیری از سرقت علمی و دیگر جرایم و تخلفات پژوهشی را میسر می‌کنند نیز مزید بر مشکلات است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که باعث گسترش این کار شده فقدان بانک اطلاعاتی جامع و دیجیتال از همه‌ی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دفاع‌شده در ایران است. هر چند امروزه شماری از این پایان‌نامه‌ها در پایگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران (ایرانداک) ثبت شده ولی این کار هنوز در ابتدای راه است. شمار فراوانی پایان‌نامه - به‌ویژه متعلق به سالیان دور - همچنان در ایرانداک ثبت نشده و نیز شیوه جستجوی کلیدواژگان برای یافتن رکوردهای پژوهشی مشابه نیز ضعیف است. این پایان‌نامه‌ها طعمه سارقان می‌شود. در درون دانشگاه هم فیلتر چندانی برای جلوگیری از تصویب موضوعات تکراری وجود ندارد. دانشگاه‌ها معمولاً از ایرانداک استعلام می‌کنند اما آنجا صرفاً عناوین تکراری و مشابه درج شده و فقط در این صورت موضوع تصویب نمی‌شود و دانشجو به راحتی می‌تواند ظاهر عنوان را تغییر داده و از محتوا استفاده کند. گاه موسسات فروشنده پایان‌نامه هم با تغییر عنوان و نویسنده، پایان‌نامه یا مقاله را به چند نفر در دانشگاه‌های مختلف می‌فروشند. جعل و سرقت هم گاه چنان حرفه‌ای صورت می‌گیرد که اساتید هم متوجه نمی‌شوند. همه‌ی این چالش‌ها موجب ضعف تخصص و افت مهارت و نهایتاً کاهش فرصت اشتغال دانش‌آموختگان حقوقی می‌گردد.

در دوره کارشناسی رشته حقوق، درس پایه‌ای «مقدمه علم حقوق» نخستین مواجهه دانشجو با دانش حقوق و سازنده ساختمان ذهنی وی در محیط دانشگاهی است اما با وجود اهمیت این واحد آموزشی، با نقش کم‌رنگ مباحث حقوق عمومی و غلبه مباحث حقوق خصوصی در آن روبه‌رو هستیم (ویژه و مهدوی‌زاهد: ۱۳۹۴: ۱۱۰). مورد دیگر این که، زمان ارائه «حقوق اساسی» گاه هم‌زمان با «مقدمه علم حقوق» و در ترم‌های ابتدایی و هنگامی است که دانشجو با مفاهیم انتزاعی ناآشناست و این موجب دل‌زدگی دانشجویان می‌شود. اگرچه آفت یادشده در تمام رشته‌های حقوق به نحوی قابل ردیابی است اما به دلیل ماهیت سیاسی-حقوقی، «حقوق عمومی» بیشتر در معرض این آسیب قرار دارد (گرگی ازندریانی، ۱۳۸۸: ۱۷). ارائه زود هنگام اغلب دروس حقوق عمومی موجب شده

اغلب دانشجویان حقوق، دروس «حقوق اساسی» و «حقوق اداری» را حاشیه‌ای و طفیلی به شمار آورند. اما مطالعه تطبیقی سرفصل‌های درسی حقوق اداری و حقوق اساسی در دانشکده حقوق دانشگاه کمبریج^۵ شاهد خوبی بر ضرورت بازنگری، کارآمد و روزآمد کردن محتوای دروس است. اما در کنار فقدان پیش‌بینی برخی دروس، در مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی، هم در سطح دروس الزامی و هم در سطح دروس اختیاری، با واحدهای درسی مواجهیم که کمترین ارتباط را با حقوق عمومی دارند، مانند حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق معاهدات بین‌المللی، حقوق حل و فصل اختلافات بین‌الملل و... شاید در ابتدای تأسیس رشته حقوق عمومی به دلیل کمبود تعداد اساتید متخصص در این رشته، وجود این دروس، توجیهی داشت اما اکنون با توجه به افزایش قابل توجه اساتید صاحب نظر و متخصص در حقوق عمومی، این توجیه نامقبول است.

۳- تناقض درونی قوانین و مقررات مرتبط با مشاغل حقوقی، و چالش‌های اشتغال در مشاغل حقوقی

در حال حاضر در زمینه خدمات حقوقی انحصار وجود دارد و سیاستگذار در این زمینه منتفع است. به گونه‌ای که در صورت افزایش ظرفیت منافع کانون وکلا که یکی از ارکان جذب وکیل است به خطر می‌افتد. بنابراین قوه قضاییه باید در این زمینه وارد شود و انحصار موجود در بازار خدمات حقوقی را بشکند. در این صورت است که بیش از ۵۰۰ هزار شغل مستقیم در این بازار ایجاد می‌شود^۶ و فارغ‌التحصیلان بیکار رشته‌های حقوقی وارد بازار می‌شوند.

پس از اعلام نتایج آزمون وکالت سال ۱۳۹۸ بمانند سال‌های پیشین، بخش عظیمی از شرکت‌کنندگان در آزمون وکالت از قبولی و احراز شغل وکالت بازماندند. در سال ۱۳۹۸ حدود ۶۰ هزار نفر در آزمون شرکت کردند که فقط ۱۷۰۰ نفر نهایتاً در این آزمون پذیرفته شدند. مطابق آمار رسمی، کشور حدود ۶۰ هزار فارغ‌التحصیل حقوق دارد و نرخ بیکاری در فارغ‌التحصیلان رشته حقوق ۲۱ درصد و بالاتر از نرخ بیکاری در دیگر رشته‌هاست (گزارش مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۷). تابستان امسال جمعی از دانش‌آموختگان حقوق دانشگاه‌های کشور، در نامه‌ای به سران سه قوه نوشته بودند درحالی‌که سرانه تعداد وکیل نسبت به

^۵ Administrative Law (Syllabus), Online. Available at: www.law.cam.ac.uk, Accessed: August ۱, ۲۰۱۹.

^۶ <https://www.khabaronline.ir/news/۱۲۸۴۶۶۸>

جمعیت در کشور بسیار کمتر از بسیاری از کشورهاست هر ساله آمار پذیرش کاهش پیدا می‌کند و امسال هم شدیدتر از هر سال دیگر.

یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که عضو کمیسیون برنامه و بودجه است از وزیر دادگستری سوال پرسیده که چرا با عملکرد غیرقانونی روسای دادگستری استان‌ها برخورد نکرده است؟^۷ در سؤال این نماینده مجلس آمده؛ مطابق تصریح تبصره ۲ ماده ۷ قانون اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، درباره ممنوعیت عدم صدور مجوز شغل به دلیل اشباع بودن بازار، تعیین ظرفیت برای مشاغل مختلف از جمله حرفه وکالت خلاف قانون است. درباره مستند شمول این قانون به حرفه وکالت باید به بند ۲۱ ماده یک قانون یادشده درخصوص تعریف مجوز کسب و کار مراجعه کنید که به همه مراجع از جمله اتحادیه‌ها اشاره کرده است. به‌رغم اجازه تعیین موضوع از آن قرار است که ظرفیت در قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری (تبصره ماده یک) مصوب سال ۱۳۷۶ به‌دلیل صراحت ماده ۹۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مصوب ۱۳۸۷، کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن از جمله تعیین محدودیت ظرفیت مندرج در قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری، نسخ شده و خلاف قانون جدید است. ضمناً مطابق تبصره ۴ قانون یادشده، هرگونه درخواست شرط اضافی برای کسب شغل مطابق ماده ۶۰۰ قانون مجازات اسلامی از دوماه تا یک‌سال حبس دارد. بنابراین قانونگذار تعیین محدودیت ظرفیت را ممنوع اعلام کرده است.

اما چگونه ذینفعان وکالت توانسته‌اند به استمرار ظرفیت ثابت و محدود در ایران برخلاف تمام کشورهای جهان حتی افغانستان، عراق، ترکیه، پاکستان ادامه داده تا بتوانند مانع اشتغال حداکثری حقوقدانان در شغل آزاد وکالت شوند؟ عوامل متعددی در این بحران نقش دارند: **الف** - تعیین ظرفیت توسط وکلای فعلی کانون‌ها و وکلای آتی که در قوه قضائیه هستند و از کانون‌های وکلا در آینده پروانه وکالتشان را اخذ می‌کنند انجام می‌شود یعنی تعیین ظرفیت توسط کسانی است که احتمالاً به خاطر منافع آینده کاری مخالف حذف ظرفیت ثابت و محدود هستند. **ب** - گاهی برخی کانون‌های وکلا در جشن‌های استقلال یا سایر موارد از مسئولان موثر دولتی یا نماینده‌ها دعوت کرده و به آنها کادو هدیه می‌دهند و شاید این مراودات مشکوک موجب لابی برای عدم افزایش ظرفیت

آزمون وکالت سال‌های بعد و تبعاً عدم اشتغال فارغ‌التحصیلان حقوقی باشد. پ- با استفاده از مزیت پروانه وکالت تعدادی زیادی از وکلا مشاور حقوقی یا وکیل مسئولان موثر دولتی یا نماینده‌های محترم مجلس هستند یا تعدادی با تودیع پروانه وکالت خود نماینده مجلس نیز هستند، تعدادی از حقوقدانان خود نماینده غیر وکیل مجلس بوده که بعد از پایان دوره نمایندگی از کانون‌های وکلا پروانه وکالت می‌گیرند. همچنین به تعداد زیادی حقوقدان کارمند دولت می‌توان اشاره کرد که در پایان سی سال خدمت از کانون‌های وکلا پروانه وکالت می‌گیرند. لذا تعدادی از این افراد بعضاً می‌توانند با اعتقاد قلبی به ظرفیت ثابت یا ترجیح منافع صنفی بر منافع جامعه با راهنمایی‌های حقوقی ناقص یعنی برجسته‌کردن قسمتی از راستی‌ها و نگفتن همه واقعیت‌ها به مسئولان یا سایر نمایندگان محترم مجلس، طرح‌های اشتغال‌زا به نفع فارغ‌التحصیلان بیکار را در نطفه خفه کنند یا در سیر تصویب آنها خلل ایجاد کنند. ج- تعداد زیادی از اساتید دانشکده‌های حقوق خود وکیل‌اند. در نتیجه احتمال دارد دانشجویانی که می‌خواهند نسبت به قضیه حذف ظرفیت ثابت و محدود فعالیت کنند نگرانند که مبدا توسط تعدادی از این اساتید مورد بی‌مهری قرار گیرند. د- ظرفیت ثابت و محدود باعث می‌شود که کارآموزان قبول‌شده در آزمون هر سال یکی از مخالفان حذف ظرفیت ثابت شوند. باید به آنان حق داد چون با سختی وارد حق مسلمشان در حرفه آزاد وکالت شده‌اند پس چرا به سهولت اجازه دهند برایشان رقیب کاری به وجود آید. ه- تعدادی از فارغ‌التحصیلان بیکار نگرانند بعد از قبولی در آزمون تستی وکالت، در اختبار در صورت فعالیت بر علیه کانون‌ها شناسایی و به دلایلی اذیت شوند؛ یا با تصور این که هرگونه احقاق حق می‌تواند جنبه سیاسی پیدا کند توسط خانواده‌هایشان از پیگیری احقاق حق منع شوند.

به هر حال نبردی کاملاً نابرابر میان اکثریت حقوقدانان غیر وکیل کشور با تعدادی از وکلای کانون که به خاطر استمرار درآمد کلان وکالت برای صنفشان می‌کوشند در جریان است.

۴- نارسایی حمایت حقوقی از اخلاق پژوهش، عامل تشدیدکننده آثار منفی ضعف برنامه‌ریزی

درسی در رشته حقوق

پژوهش‌های متعددی نشان داده است حاکمیت اخلاق حرفه‌ای می‌تواند به میزان چشمگیری به سازمان در جهت کاهش تنش‌های سازمانی و توفیق در تحقق اهداف یاری رساند (صفیان و

همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱). اعضای هیئت علمی به‌عنوان الگو و نمونه برای دانشجویان در کنار نقش علمی خود، نقش اخلاقی حساسی نیز ایفا می‌کنند. به‌همین دلیل در بسیاری از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، آیین‌نامه‌هایی با عنوان شناسه‌های اخلاقی تدوین شده است. توجه پژوهشگر به‌پیکره‌بندی صحیح و دقیق یک پژوهش به‌میزان فاصله او از حوزه تخصصی و حرفه‌ای بودن او مربوط است. تا آنجا که ورود به فضای پژوهش، پیش از آن‌که تخصص لازم و کافی به‌دست آمده باشد، خود در زمره ناراستی‌های اخلاقی در علم محسوب می‌شود. زیرا یکی از شرایط پایبندی به‌هنجارهای اخلاقی علم «حرفه‌ای‌بودن» است و این خود مستلزم کسب مهارت‌های لازم و کسب دانش کافی در زمینه پژوهش است (میرزایی و قاراخانی، ۱۳۹۳: ۱۴). نبود نظارت دقیق و اثربخش نسبت به کیفیت پژوهش‌ها همچنین باعث می‌شود که پژوهش‌ها از حیث کیفی در معرض ارزیابی استاندارد قرار نگیرد و آثار خیلی ضعیف نیز منتشر گردند. ضعف شفافیت قوانین و مقررات در زمینه انواع تخلفات و جرایم علیه حقوق پژوهش در برخی مواقع خود موجب می‌گردد که به این آسیب دامن زده شود و بی‌اخلاقی در پژوهش افزایش یابد (چوپانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۳). در واقع، هم ضعف فاحش نظارت و هم تشتت‌ها و ابهامات در خود استانداردها و منشورهای اخلاقی مصوب و مورد ابلاغ به نهادهای علمی کشور باعث می‌شود که سوءرفتارهای علیه حقوق پژوهش فزونی یابد. در همین راستا، عواملی مانند جو سازمانی، موانع ساختاری و قوانین و مقررات مبهم و متناقض و فاصله‌دار از امکان اجرا، از جمله عوامل موثر بر تشدید وخامت بحران اخلاق در پژوهش‌های دانشگاهی کشور و البته در جهان هستند. در بعد فردی، انحراف از پایبندی به اخلاق پژوهش در سطوح شخصی و حرفه‌ای (در ارتباط با صورتبندی و محتوای پژوهش، سازمان پژوهشی و تخطی از قواعد و هنجارهای علمی و حرفه‌ای دریافت و اجرای پژوهش) قابل توجه است. در بعد ساختاری، سوءاستفاده از قواعد و تعهدات اخلاقی و حرفه‌ای سازمانی و نهادی در ارتباط با پژوهشگر و پژوهش (انتخاب موضوع، نحوه دریافت، فرایند داوری، تصویب، گزارش، کاربرد و محتوای پژوهش) مورد توجه تحقیقات علوم انسانی به‌ویژه علوم اجتماعی انتقادی واقع شده است. بر پایه دستاورد مفهومی این پژوهش، ناراستی‌های اخلاقی در فضای پژوهش علوم اجتماعی در ایران برآیند تاثیر متقابل کنشگران (پژوهشگر) و ساخت نهادی (شامل قواعد و هنجارها و منابع) تسهیل‌کننده هنجارشکنی است.

در عصر حاضر با گذار از دانشگاه‌های نسل اول (آموزش‌محور) به دانشگاه‌های نسل دوم (پژوهش-محور) و نسل سوم (دانشگاه کارآفرین) که بر مفاهیمی مانند آموزش، پژوهش و مشارکت در توسعه اقتصادی از راه ارتباط با صنعت و تجاری‌سازی پژوهش‌های دانشگاهی تأکید دارند، پایبندی به اخلاق پژوهش و ارتقای آن در نظام دانشگاهی اهمیتی دو چندان یافته است (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۳). از این رو، تضمین حقوقی اصالت و روایی و صحت انجام پژوهش، با توجه به پیامدهای نتایج پژوهش بر بخش‌های مختلف جامعه، اهمیت و ضرورتی انکارناپذیر دارد.

از یک سو تحول حقوق کیفری داخلی در تعامل با حقوق بین‌الملل کیفری که در عمل موجب برخی جرم‌انگاری‌ها تحت تأثیر اسناد بین‌المللی شده و از سوی دیگر ضرورت‌های پیوستن به سازمان تجارت جهانی، ایجاد معیارهای حمایتی همسو با معاهده تریپس^۱ برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران را اجتناب‌ناپذیر کرده است. مطالعات نشان داده است (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴) عدم حمایت مؤثر از مالکیت فکری بسیاری پیشرفت‌ها را منتفی می‌کند. ضعف قوانین حمایتی امکان سرمایه‌گذاری خطرپذیر را در حوزه‌های وابسته به حمایت‌های حقوقی از سرمایه‌گذاران می‌گیرد.

تدابیر حقوقی مختلفی برای سختی‌افزایی نقض اخلاق پژوهشی در تألیف کتب درسی رشته حقوق اتخاذ شده اما کافی نیست. کشورهای مختلف از جمله ایران، دستورالعمل‌هایی را تحت عنوان استانداردهای پژوهشی در حوزه پژوهش‌های علوم اجتماعی مطرح و قانون‌گذاری نموده‌اند. همچنین کدهای اخلاقی توسط مؤسسات و انجمن‌های گوناگون علمی ارائه شده است و به موازات آنها مقالات بسیاری به تبیین مهم‌ترین عوامل مؤثر برای انجام پژوهش اخلاق‌مداری پرداخته‌اند. (ر.ک. به: خانی جزنی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۹). تقلب در پژوهش و خصوصاً در تألیف پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، شامل این موارد است: ارائه مقاله‌ای که از جای دیگر گرفته شده (به سرقت رفته)، رونویسی کردن از تألیف یا ترجمه شخص دیگر، اجازه‌دادن به سایر افراد برای رونویسی کردن نتایج پژوهش، انجام تکلیف به دست فرد دیگر، انجام تکلیف برای سایر افراد و انجام تکلیف فردی با سایر اشخاص.

تحقیقات زیادی در مورد موانع مؤثر بر فعالیت‌های تحقیقاتی دانشگاهی انجام شده است و موانع درونی مؤثر بر فعالیت‌های تحقیقاتی در دانشگاه در سطوح مختلفی از جمله موانع مالی، امکانات

^۱ Trade Aspects Related of Intellectual Property Rights (TRIPs)

حرفه‌ای، مدیریتی، سازمانی، علمی و فردی دسته‌بندی شده‌اند (سپهوند و همکاران، ۱۳۹۷؛ صفیان و همکاران، ۱۳۹۸). پژوهشگران وجود موانع مدیریتی، اداری، حرفه‌ای، امکانات و مالی را از موانع فعالیت‌های تحقیقاتی در دانشگاه از دیدگاه اعضای هیات علمی بیان می‌کنند. همچنین برخی از نتایج نشانگر مشکلاتی چون انگیزه‌های فردی پژوهشگر در عرصه تحقیقات است. اما متأسفانه در جامعه ما استراتژی کلان پژوهشی آنچنان مشخص نیست. این امر سبب شده است که نه تنها جایگاه تحقیق و محقق و نقش آن‌ها در پیشرفت فناوری مشخص نباشد بلکه گاهی به پژوهش و تحقیقات به عنوان یک فعالیت روبنایی و موقتی نگاه می‌شود و دستخوش نوسان‌های گزنده و بی‌ثبات‌گر است. چرخش‌های تیز و تند، در تصویب مقررات پژوهشی و تغییر مبانی و آسفتگی راهبرد در مواقع پدیداری بحران‌ها - از جمله همین بحران پاندمی کرونا و نوسان در اصل و نحوه انجام آموزش الکترونیکی دروس دانشگاهی - محلّ ثبات حقوقی و امنیت پژوهشی است و ضعف آموزش قطعاً بر مشکلات اشتغال دانش‌آموختگان حقوقی تأثیر دارد.

از جمله شیوه‌های برخورد با تقلب در تهیه، عرضه یا واگذاری آثار پژوهشی - علمی یا هنری، همچنین استفاده از این آثار، برخورد قانونی است. تقلب در این زمینه در زمره جرائم و تخلفات یقه-سفیدی، علیه حقوق و نظم عمومی جامعه علمی، دارای حیثیت عمومی هستند؛ که در ماده واحده قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب ۱۳۹۶ ایران، مورد قانونگذاری (جرم-انگاری) واقع شده است.

«قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» (مصوب ۱۳۹۶) به نارسایی‌های مبتلاست که اصلاح سیاستگذاری حقوقی کشور در پیشگیری و مجازات تخلفات و جرایم علیه پژوهش را در ابتدای گام تحول، با موانع جدی روبرو می‌کند. گستردگی قلمرو استثنائات مندرج در تبصره (۵) قانون پیش‌گفته، محدودسازی تکالیف پیشگیرانه نهادها به جرایم پژوهشی و غفلت از تکلیف به پیشگیری از تخلفات پژوهشی در تبصره ۷، نقض اصل شخصی بودن مسئولیت حقوقی در تبصره ۹ قانون مزبور که نقض ناموجه حق‌الزحمه مالی اساتید قانونمدار و خدمتگزار به دانشجویانی که پایان-نامه را دور از چشم اساتید به نحو متخلفانه/مجرمانه ارائه کرده‌اند، و خارج کردن تخلفات پژوهشی طلاب از شمول قانون و اکتفا به فقط جرایم آنها در بند (ت) تبصره ۶، همگی جلوه‌هایی از نارسایی قانون مزبور هستند.

از سوی دیگر، بند «۵» ماده واحده قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» (مصوب ۱۳۹۶) مقرر داشته است: «ارائه خدماتی که در جریان تهیه آثار پژوهشی علمی و هنری انجام آنها توسط اشخاص ثالث متعارف است از قبیل خدمات آزمایشگاهی، تایپ، کمک به گردآوری داده‌ها، ترجمه، تکثیر و ویراستاری اثر، مشمول حکم مقرر در این قانون نیست.» نقد راقم این سطور بر این تبصره آن است که گردآوری داده‌ها موضوعی صرفاً شکلی و در ردیف تایپ و ترجمه نیست و نباید بی قید و بند، اینطور مطلق مجاز و مستثنی از ممنوعیت کلی مقرر می‌شود. نحوه گردآوری داده‌ها، خصوصاً در تحقیقاتی که نتایج آنها کاملاً مبتنی بر عین اعداد و ارقام آماری مورد داده‌کاوی است، موضوعی ماهوی است اکنون مراکز غیرمجاز پایان‌نامه‌نویسی به راحتی از این تبصره سوءاستفاده می‌کنند و در وضعیت شیوع پاندمی کرونا، با قبول سفارش انجام صفر تا صد پایان‌نامه، نه فقط بخش تجمیع داده‌ها بلکه تمام متن پایان‌نامه را مصداق گردآوری داده‌ها قلمداد می‌کنند و از چنگال عدالت کیفری می‌گریزند. به علاوه، ویراستاری نیز باید محدود به ویرایش زبانی می‌شود، وگرنه ویرایش علمی نوعی از ویراستاری است و امری ماهوی است و توجیه ارائه خدمات ویراستاری - که اطلاق آن، شامل ویرایش علمی و ماهوی می‌باشد - اطلاق قانونی است که مستمسک مجرمان پژوهشی برای فرار از اتهام و مجازات است. محدودسازی تکالیف پیشگیرانه نهادها به جرایم پژوهشی و غفلت از تکلیف به پیشگیری از تخلفات پژوهشی در تبصره «۷» ماده واحده قانون مزبور، ایراد دیگری است که رفع آن، در وضعیت کاهش فعالیت نظارتی نهادهای پیشگیرنده از تخلفات پژوهشی بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

بسیاری از انواع تقلب با وضع قوانین و مدیریت آموزشی قابل اجتناب بوده و موجب تقویت اخلاق علمی در نظام آموزش عالی خواهد شد. لازم است سیاست‌گذاران آموزش عالی تدابیر لازم را برای آموزش اخلاق حرفه‌ای به دانشجویان در دوران تحصیل بیاندیشند. اساتید نیز می‌توانند با تأکید بر رشد مهارت‌های حرفه‌ای، حمایت‌گر بودن و تعامل محترمانه با دانشجویان و ارزشیابی مستمر در کاهش تقلب مؤثر باشند. همچنین در سطح مطبوعات و رسانه‌ها و به ویژه صدا و سیما هم باید

آموزش عمومی و نخبگانی صورت گیرد تا جامعه علمی کشور دریابد رکود پژوهش‌های کیفی به اندازه رکود اقتصادی، کشور را به محاق می‌کشاند؛ چه، آموزش و پژوهش شایسته موجب توسعه و پیشرفت همه‌جانبه کشور است و نباید اجازه داد این امر مهم دستمایه سوداگری و نیز مبتلا به ضعف تخصص و سرسری‌نگری شود.

از این رو، توقف فرایند پذیرش بی‌ضابطه دانشجویان ارشد و دکتری در کلیه گرایش‌های حقوق و اصلاح نحوه پذیرش آنان اهمیت دارد؛ همچنین بازنگری در روند جذب آن دسته از اساتیدی که در یک دهه اخیر بدون داشتن شایستگی علمی به عضویت هیات علمی در آمده‌اند و همچنین جذب اساتید توانمند با تأکید بر معیارهای پژوهشی و علمی اهمیت دارد. نیز تجدیدنظر در نظام ارتقای اساتید که مبتنی بر تعداد کتابها و مقالات و بی‌توجهی به کیفیت آنهاست و همچنین حذف برخی قوانین که ۲ نمره پایان‌نامه را به پذیرش و چاپ مقاله منوط کرده و یا داشتن مقاله را شرط دادن برخی امتیازات مانند استعداد درخشان و... نموده‌اند، ضروری می‌نماید. تقویت ترکیب اعضای تخصصی تدوین برنامه، اجرای نظام صلاحیت حرفه‌ای، متناسب‌سازی برنامه‌ها با نیازهای واقعی بازار کار، نظارت مستمر و کارآمد، تقویت پیوند بین نظام طبقه‌بندی مشاغل حقوقی، نظام طبقه‌بندی رشته‌های تحصیلی و نظام اطلاعات بازار کار از راهکارهای بهبود اثربخشی برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها توسط محققان (هادی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸) پیشنهاد شده‌اند.

تدابیر قانونی برای سختی‌افزایی ارتکاب تخلفات و جرایم علیه حقوق پژوهش کافی نیست. «قانون مبارزه با تقلب در تهیه آثار علمی» (مصوب ۱۳۹۶) به نارسایی‌های مبتلاست که اصلاح سیاستگذاری حقوقی کشور در پیشگیری و مجازات تخلفات و جرایم علیه پژوهش را در ابتدای گام تحول، با موانع جدی روبرو می‌کند. گستردگی قلمرو استثنائات مندرج در تبصره (۵) قانون پیش-گفته، محدودسازی تکالیف پیشگیرانه نهادها به جرایم پژوهشی و غفلت از تکلیف به پیشگیری از تخلفات پژوهشی در تبصره ۷، نقض اصل شخصی‌بودن مسئولیت حقوقی در تبصره ۹ قانون مزبور که نقض ناموجه حق الزحمه مالی اساتید قانونمدار و خدمتگزار به دانشجویانی که پایان‌نامه را دور از چشم اساتید به نحو متخلفانه/مجرمانه ارائه کرده‌اند، و خارج کردن تخلفات پژوهشی طلاب از شمول قانون و اکتفا به فقط جرایم آنها در بند (ت) تبصره ۶، همگی جلوه‌هایی از نارسایی قانون مزبور هستند. همچنین نقدهایی به «دستورالعمل نحوه بررسی تخلفات پژوهشی و مصادیق تخلفات پژوهشی» (مصوب ۱۳۹۳ وزارت عتف) وارد است. برای نمونه، اعمال مجازات‌های نقض بندهایی از

این دستورالعمل از جمله بند «ه» در مورد تحریف داده‌ها، بند «ح-۱» در مورد عدم پاسخگویی استاد راهنما نسبت به محتوای پایان‌نامه، و بند «ک-۵۴» در مورد ضبط سخنرانی‌های افراد بدون اجازه، نیازمند تغییر راهبرد حقوقی وزارت عتف و حتی محاکم دادگستری است.

از مهم‌ترین راهکارهای کاهش آسیب‌های مربوط به روش آموزش و برنامه‌ریزی درسی حقوق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تغییر روش تدریس غالب اساتید حقوق، تغییر نظام آموزش دانشجویسالاری به استادسالاری، برنامه‌ریزی نظارت بر استادان به منظور برعهده گرفتن پایان‌نامه و رساله و نیز تدریس در رشته‌های تخصصی خود، تجدیدنظر علمی در نحوه تنظیم سرفصل دروس رشته حقوق و گرایش‌های آن در تحصیلات تکمیلی در شورای تحول علوم انسانی و کمیته برنامه‌ریزی درسی حقوق در وزارت علوم، ایجاد دوره‌های کارآموزی دانشجویان، تقویت جایگاه دروس حقوق تطبیقی و رویه قضایی از حیث تعداد واحدهای درسی و تکرار تدریس پیشرفته در دوره‌های تحصیلات تکمیلی اغلب گرایش‌های حقوقی، اعمال روش‌های آموزشی متفاوت برای کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری حقوق، راه‌اندازی رشته‌های میان‌رشته‌ای، برنامه‌ریزی درسی برای تقویت تربیت اخلاقی و وجدان‌شغلی و اخلاق حرفه‌ای به منظور تصدی مشاغل قضایی با سلامت نفس، تقویت منابع علمی و کتابخانه‌ای با مجلات و منابع علمی از جمله ژورنال‌های حقوقی خارجی، اخذ اشتراک سامانه‌های همانندجویی و مشابهت‌یابی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها برای همه اساتید راهنما و مشاور و داور به منظور پیشگیری وضعی از کپی‌برداری غیرقانونی، و تغییر دیدگاه مسئولان نسبت به دانشگاه‌ها به عنوان یک بنگاه اقتصادی.

- ۱- احمدی، سید احمد. (۱۳۸۰)، ابعاد حقوقی- اجتماعی اشتغال فارغ التحصیلان رشته حقوق با توجه به قانون برنامه سوم توسعه، فصلنامه دانش و توسعه، شماره ۱۳، ۸۷-۱۰۸.
- ۲- باقری، محمود؛ شاهرخی، اعظم؛ عارفی، مرتضی (۱۳۹۷)، تحلیل اقتصادی حمایت کیفری از مالکیت فکری، فصلنامه دانش حقوق و مالیه، سال اول، شماره ۳، ۲۳-۳۷.
- ۳- توسلی نائینی، منوچهر. (۱۳۸۹)، آسیب شناسی رشته های حقوق با توجه به بررسی تطبیقی آموزش رشته های حقوق در ایران و فرانسه، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، سال دهم، شماره ۲، ۱-۱۶.
- ۴- جاوید، محمدجواد؛ شاهمرادی، عصمت. (۱۳۹۲)، آسیب شناسی حقوقی زنان شاغل (با محوریت دستگاه قضایی)، دوره ۱۵، شماره ۶۰، ۷۳-۱۱۰.
- ۵- چوپانی، حیدر؛ سیادت، سید علی؛ رجایی پور، سعید (۱۳۹۹)، عوامل سازمانی مرتبط با سوء رفتار پژوهشی با تأکید بر اخلاق حرفه ای در پژوهش، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال پانزدهم، شماره ۱، ۷۱-۷۸.
- ۶- خانی جزنی، جمال و همکاران (۱۳۹۸)، شناسایی و اولویت بندی شاخص های اخلاق حرفه ای در پژوهش، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال چهاردهم، شماره ۳، ۹۹-۱۰۷.
- ۷- رودی، محمدتقی؛ فتحی واکارگاه، کوروش؛ عارفی، محبوبه؛ حکیمزاده، رضوان؛ شریفی، مسعود. (۱۳۹۷)، مفهوم سازی مشاوره برنامه درسی به عنوان یکی از قلمروهای نوین حوزه مطالعات برنامه درسی، دوفصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، دوره ۶، شماره ۱۱، ۱۰۵-۱۴۰.
- ۸- سپهوند، رضا؛ سلگی، زهرا؛ اکبری، فاطمه. (۱۳۹۷)، تأثیر جهت گیری و برنامه ریزی مسیر شغلی متنوع بر اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۴، شماره ۱، ۷۱-۹۰.
- ۹- شریفی اسدی ملفه، فاطمه؛ خراسانی، اباصلت؛ فتحی واجارگاه، کوروش؛ صالحی عمران، ابراهیم. (۱۳۹۸)، تعیین مؤلفه های اشتغال پذیری دانش آموختگان دانشگاهی با رویکرد آمیخته اکتشافی، دوفصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، دوره ۷، شماره ۱۳، ۲۹-۵۲.
- ۱۰- صفایی، سید حسین؛ کاظمی، محمود (۱۳۹۳)، آسیب های آموزش و پژوهش علم حقوق در ایران و راهکارهای مقابله با آن، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۲، ۶۸۴-۶۴۹.

- ۱۱- صفیان، مهدی؛ محمدی، مهدی؛ موسوی، سید علی؛ صالح‌نژاد امرئی، سید عبدالله (۱۳۹۸)، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های سازمانی (مورد مطالعه: یک دانشگاه نظامی)، فصلنامه مدیریت اسلامی، دوره ۲۷، شماره ۴، ۲۱-۴۹.
- ۱۲- عباس‌زاده، محمد؛ بنی‌فاطمه، حسین؛ علیزاده اقدم، محمدباقر؛ بوداقی، علی (۱۳۹۷)، بررسی رابطه بین فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی با پایبندی به اخلاق پژوهش (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز)، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۹، شماره ۱، ۸۶-۶۳.
- ۱۳- گرجی‌ازندیانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۸)، در تکاپوی حقوق اساسی، تهران: نشر جنگل.
- ۱۴- متوسلی، محمود؛ مومنی، فرشاد؛ رنجبر، محمدمجید؛ لاجوردی، رزیتا. (۱۳۹۶)، فرصتی برای پرداختن به مفهوم برنامه‌ریزی در ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، دوره ۲۴، شماره ۹۲، ۲۷۸-۲۵۵.
- ۱۵- مجلل، محمدعلی؛ عبدالله‌فام، رحیم؛ تمجیدتاش، الهام. (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی فرایند کارآفرینی در برنامه درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی، فصلنامه مدیریت بهره‌وری (دانشگاه آزاد اسلامی تبریز)، دوره ۵، شماره ۳، ۱۸۸-۱۶۷.
- ۱۶- مختاری، سهراب؛ بهروزی، محمد. (۱۳۹۹)، بررسی تجربه کارآفرینی در دانشگاه‌های ایران و تأثیر آن بر بازار اشتغال به منظور ارائه مدل مناسب، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دوره ۱۱، شماره ۴۲، ۲۷۲-۲۴۹.
- ۱۷- میرزایی، سید آیت‌الله؛ قاراخانی، معصومه (۱۳۹۳)، اخلاق پژوهش در علوم اجتماعی ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۵، شماره ۲، ۲۳-۳.
- ۱۸- هادی‌زاده، مریم؛ خسروی، علی‌اکبر؛ عصاره، علیرضا؛ نورزاده، رضا. (۱۳۹۸)، نقش برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان نظام‌های مهارتی (مطالعه موردی: دانشگاه جامع علمی کاربردی)، فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، انتشار آنلاین از ۱۳۹۸/۱۱/۶.
- ۱۹- وحدتی شبیری، سید حسن. (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی رشته حقوق در ایران، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۱۹، ۱۷۹-۱۶۹.
- ۲۰- ویژه، محمدرضا؛ مهدوی زاهد، مهدی. (۱۳۹۴)، آسیب‌شناسی آموزش و توسعه حقوق عمومی در ایران به مثابه دانشی راهبردی، فصلنامه راهبرد، شماره ۷۶، ۱۲۴-۱۰۷.

-
- ۲۱- Administrative Law (Syllabus), Online. Available at: www.law.cam.ac.uk, Accessed: August ۱, ۲۰۱۹.
- ۲۲- <https://www.un.org/development/desa/publications/report-of-the-world-social-situation-۲۰۱۶.html>.

The Role of Law Curriculum Failures in Reducing the Employment of Law Graduates

Mahdi Khaghani Esfahani^۱

Abstract

Unemployment is one of the most serious challenges of the present age group, especially university graduates. Employability is the result of learning career development, experience (work and life), general skills (generic), subject knowledge and understanding, and emotional and social intelligence. Preparing law students for living and taking up legal professions in the future is possible through the correct identification of the components of employability and the inclusion of these elements in the curricula and extracurriculars of university law education. Stagnant curricula and centralized curricula hinder the realization and even the conception of legal employability prospects.

Based on research on differences in the perceptions of law students and employers of legal professions of the components of employability, and with regard to studies on the effectiveness of the university law education system - despite relatively useful developments in the subject matter - In promoting the elements of legal employability, this article uses a descriptive-analytical method to critique the most important factors, effects and consequences of not up-to-date law courses, poor documentation of course formulation, lack of involvement of curriculum planning experts, lack of promotion The need for skills and attitudes compared to the topics of global law education, the lack of attention to research-oriented and theories of learning and creativity, and provides solutions to the legal problems of some of the rules and regulations of professional ethics in academic education and research in the field of law (problems such as contradiction, silence and ambiguity of rules and regulations).

Keywords: Curriculum Planning, Law Course Titles, Employability in Law, Crimes and misdemeanor against Research

^۱Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Center for Research and Development in Humanities (SAMT), Tehran, Iran.